



Analysis of Poetic Appreciation (Manqbat) of Ameer Hassan

Sajzi Dehlvi

***Mazhar Abbas, Syed**

**** Babar Naseem Asi**

Abstract:

Ameer Hassan Sijzi was a follower and companion of Hazrat Nizamuddin Auliya (R.A). He was a contemporary of Ameer Khusru. After Ameer Khusru, he is considered the greatest Persian poet in the 7th and 8th Century Hijri. Hassan was born in Badayun but he was educated and brought up in Delhi. Hassan was very fond of Sufism and became a sincere disciple of Hazrat Nizamuddin Auliya (R.A) through Ameer Khusru and soon became a Sufi. He is also called Saadi-e-Hindustan. In his poetry, he has presented the poetic appreciation (Manqbat) of the Holy Prophet (PBUH), his family, companions and saints, which is reviewed in this article.

Key Words:

Ameer Hassan Sijzi , Hazrat Nizam u Din Auliya (R.A), Ameer Khusru, Chishtia order, Manqbat

بررسی منقبت سرایی امیر حسن سجزی دهلوی

(۱۳۳۶/هـ - ۱۲۵۴/م - ۱۷۳۷/هـ - ۱۳۳۶/م)

*مظهر عباس، سید

**بابر نسیم آسی

چکیده:

امیر حسن سجزی یکی از مریدان و مصاحبان حضرت نظام الدین اولیا است. وی معاصر امیر خسرو بود. او بعد از امیر خسرو بزرگ ترین شاعر فارسی زبان در سده هفتم و هشتم هجری محسوب می شود. حسن در بدایون متولد شد ولی در دهلوی پرورش یافت و تحصیلات خود را در همان شهر به پایان رسانید. امیر حسن دهلوی به عرفان و تصوف گرایش پیدا کرد و به وسیله امیر خسرو مرید حضرت نظام الدین گشت و صوفی شد. وی را سعدی هندوستان هم می گویند. او در شعر خود را با نعت و منقبت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت اطهار، خلفا و صوفیه مزین کرده است که درین مقاله مختصر بررسی شده است.

واژه کلیدی: امیر حسن سجزی، حضرت نظام الدین اولیا، امیر خسرو، سلسله چشتیه، منقبت

*استاد یار، شعبه فارسی دانشکده دولتی اسلامیه کارشناسی سول لاینز prof.mazharabbas@gmail.com

**استادیار، شعبه فارسی دانشکده دولتی دانشگاه لاهور dr.babarnaseem@gcu.edu.pk

مقدمه:

امیر حسن سجری دهلوی یکی از مریدان و مصاحبان سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیاء (م ۷۲۵هـ) و معاصر و معاشیر امیر خسرو دهلوی بود و پس از امیر خسرو بزرگترین شاعر فارسی گوی شبه قاره در سده هفتم و هشتم هجری محسوب می شود. خلیق احمد نظامی صاحب تاریخ مشایخ چشت امیر حسن سجری دهلوی را از لحاظ علمی یکی از ارکان اساسی طریقه چشتیه می داند که به وسیله تصنیفاتش به ویژگی فواید الفواد از لحاظ علمی این طریقه را گسترش داد و به اوج رسانید. (نظامی: ۱۸۱: ۱۹۸۵)

اسم کامل وی امیر نجم الدین حسن سجری بود. پدرش علاء الدین حسن سیستانی معروف به علایی سجری در اثر حمله مغولان از سیستان به هند مهاجرت کرد. امیر حسن سجری در بدایون در سال ۶۵۲هـ به دنیا آمد اما وی در دهلی پرورش یافت. وی در قصیده ای که در مدح سلطان علاء الدین خلجی (حک: ۱۲۹۶-۱۳۱۶م) سروده است، در این باره می گوید:

بنده حسن بین سال و مه در طاعت این بارگه از همت والای شه صد گونه الا داشته

پرورده از فضل ایزدش ارشاد غیبی مرشدش بوده بدایون مولدش دهلی است منشاء داشتنه

(آریا: ۱۴۳: ۱۳۶۵، صدیقی: ۱۸: ۱۹۷۹-۱۷)

امیر حسن سجری دهلوی در دهلی پرورش و تربیت یافت و تحصیلات خود را در همان شهر به پایان رسانید. وی در سرودن شعر طبع لطفی داشت و دیری مبادید که عنوان یکی از شاعران توانای زبان فارسی معروف گشت. درین مورد صاحب خزینة الاصفیا می نویسد که وی به وسیله شعر از شعرای عصر خود گوی سبقت ربود. میر خورد راجع به این موضوع نوشته است که وی پیوسته میان شعراء متمکن شد و هیچکس لطیفه ای و شعری به بدیهه بهتر از او نگفت و مقبول نظر پادشاهان و شاه زادگان واقع شد. (لاهوری: ۳۴۴: ۱۹۹۴، میر خورد: ۳۱۸: ۱۹۷۸)

امیر حسن دهلوی و امیر خسرو دهلوی مثل یاران همدل یک دیگر بودند. وقتی که پادشاه هند سلطان غیاث الدین بلبن (حک: ۶۶۴-۶۸۶هـ) پسرش شاهزاده محمد سلطان خان به حاکمیت ملتان تعیین کرد، وی امیر حسن دهلوی را نیز همراه با امیر خسرو دهلوی به ملتان بُرد. امیر حسن دهلوی تا پنج سال در ملتان در دربار شاهزاده محمد سلطان خان بسر بُرد. شاهزاده محمد سلطان خان در سال ۶۸۳هـ در اثر حمله مغولان بر ملتان شهید شد و امیر حسن دهلوی همراه با امیر خسرو دهلوی اسیر شد. آنها پس از دو سال از اسارت رهایی یافتند و به دهلی برگشتند. (فرشته: ۲۰۷: ۲۰۰۸-۱۹۹، اکرام: ۱۷۶: ۲۰۰۰، ریاض محمد و صدیق شبلی: ۱۷۱: ۱۹۹۸، صدیقی: ۵۶: ۱۹۷۹-۳۵)

امیر حسن دهلوی پس از دیدن آسیب های زمان به عرفان و تصوف گرایش پیدا کرد. در سن پنجاه و سه سالگی گشت توسط امیر خسرو دهلوی با سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیاء اسناد و مرید ایشان بر حلف گفته

میرخورد، به زودی از خاصان مقرب سلطان المشایخ گشت. طبق میر خورد زودی به نظر خاص سلطان المشایخ مخصوص گشت و غلام سرور لاهوری نوشته است که وی به اندک زمانی یافت آنچه یافت و مصاحب ظاهری و باطنی شیخ گشت. عبدالحق محدث دهلوی راجع به این موضوع می نویسد که وی درمیان مریدان شیخ نظام الدین به قربت و عنایت شیخ امتیازی داشت و در حسن معاملات و صفای سریرت و سایر صفات حمیده یگانه عصر بود و در اوصاف تصوف موصوف بود. (میر خورد: ۳۱۸: ۱۹۷۸، لاهوری: ۳۴۴: ۱۹۹۴، محدث دهلوی: ۱۳۸۳: ۱۹۶-۹۷، رحمان علی: ۴۸۴۹)

سلطان محمد تغلق بادشاه هند (حک: ۱۳۲۵-۱۳۵۱م) وقتی که پایه تخت خود را از دهلی به دولت آباد (دیو گیر) منتقل کرد، امیر حسن دهلوی نیز در آخر عمرش همراه با رعایای دهلی به دولت آباد رفت. دکتر محمد ریاض و دکتر صدیق شبلی می نویسند که دهلی برای امیر حسن دهلوی جاذبه زیادی نداشت زیرا که تا آن زمان مرشدش خواجه نظام الدین اولیاء و دوستش امیر خسرو دهلوی رحلت نموده بودند. (ریاض محمد و صدیق شبلی: ۱۲۰: ۱۹۸۷)

امیر حسن دهلوی بعد از آن به یک زندگانی مجردانه قناعت کرد و در سال ۷۳۷هـ رخت از این جهان فانی بست. عبدالرحمن چشتی در مرآة الاسرار نوشته است که وی در دیوگیر معروف به دولت آباد نزد مزار شیخ برهان الدین غریب مدفون شد. (چشتی، عبدالرحمن: ۹۱۳: ۲۰۱۶، صدیقی، شکیل احمد، ص ۱۳۴)

آثار:

حسن سجزی دهلوی کتابی به نام فواید الفواد نوشت که در آن ملفوظات سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیاء جمع کرده بود. آن کتاب درمیان خلفاء و مریدان سلطان المشایخ به اندازه ای مورد قبول واقع شد که امیر خسرو دهلوی به آن کتاب رشک بُرد و گفت:

”کاشکی تمامی کتب که عمر در آن صرف کرده ام، برادر امیر حسن را بودی و ملفوظات سلطان المشایخ که جمع کرده است، مرا بودی تا من به آن در دنیا و آخرت فخر و مباهات کردم.“ (میر خورد: ۳۱۸: ۱۹۷۸، محدث دهلوی: ۱۳۸۳: ۱۹۷)

حسن سجزی دهلوی صاحب دیوان بود و دیوان وی بیش از نه هزار شعر دارد که مشتمل بر قصاید، غزلیات، ترجیحات، ترکیبات، رباعیات و مثنویات بود. این دیوان در سال ۱۳۵۲هـ در حیدر آباد دکن در هند چاپ شد.

منقبت سرایی:

امیر حسن دهلوی یکی از شاعران توانا زبان فارسی است و اهمیت وی بیشتر به خاطر غزل های او است. وی یکی از بهترین مقلدان سعدی است و وی را سعدی هندوستان گویند. وی خودش در این بیت زیر اشاره کرده است:

حسن گلی ز گلستان سعدی آوردست که اهل معنی گلچین آن گلستانند

از نظم حسن نوشد دیباچه عشق آری

جلد سُخنش دارد شیرازه شیرازی

(محو ۱۳۵۲ ه: ۷۳)

خواجه معین الدین چشتی اجمیری بنیانگذار حقیقی و گسترش دهنده طریقه چشتیه در هند می باشد. وی مؤسس و پیشگام منقبت سرایی در زبان و ادبیات فارسی شبه قاره می باشد. عرفای طریقه چشتیه به زبان و ادبیات فارسی به حد عشق علاقه داشتند. آنان به زبان فارسی نیز شعر می سرودند و مجالس خود را با شعر فارسی مزین می ساختند. آنان منقبت سرایی را در شعر خود از حیث موضوع جداگانه ای معرفی کردند و مدح و ستایش حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، اهل بیت اطهار علیه السلام، امامین علیه السلام و معصومین علیه السلام، خلفای راشدین رضوان الله تعالی، بزرگان دین رحمة الله تعالی، پیران سلسله تصوف و مشایخ طریقه چشتیه صدها بیت مشتمل بر منقبت در همه قالب شعرى مانند مثنوی، غزل، قصیده، رباعی، قطعه، مخمس، مسدس، ترجیع بند و ترکیب بند و غیره سرودند. در نتیجه آن منقبت سرایی یکی از بزرگترین و مهم ترین موضوعات ادبیات عرفانی در شبه قاره پاک و هند به شمار آمد.

امیر خسرو دهلوی در این زمینه بنیانگذار روش تازه ای بود که نه فقط در خمسه خود بلکه در تمام مثنوی هایش پس از مناجات، حمد و نعت، یک منقبت به طور التزام در مدح و ستایش مرشدش سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیاء نیز آورده است و اغلب عرفای چشتیه این روش را مورد تقلید قرار دادند و پس از حمد و نعت، مناقب مشایخ عظام سلسله چشتیه در شعر خود آوردند.

امیر حسن سجزی دهلوی در تاریخ منقبت سرایی نیز روش تازه ای ایجاد کرد. او یک مثنوی جداگانه در مدح و ستایش مرشد خود خواجه نظام الدین اولیاء سرود. این روش مورد تقلید عرفای دیگر در شبه قاره قرار گرفت به طور مثال نواب عمادالملک غازی الدین خان نظام در مدح و ستایش مرشدش خواجه فخرالدین فخر جهان دهلوی دو مثنوی به نام ”ناله نی“ و ”فخریه النظام“ سرود.

امیر حسن سجزی دهلوی در آغاز مثنوی زیر عنوان ”در مدح سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیاء رحمة الله علیه“ فضایل و اوصاف مرشد خود را با عشق و عقیدت فراوان بیان کرده است. وی پس از آن دو حکایت مختصر آورده است و سپس سه عناوین دیگر ”در صفت صحیفه اصحاب“، ”در صفت سلام به خدمت اصحاب کرام“ و ”در صفت صحیفه به خدمت اصحاب“ نوشته است. او در این عناوین خلفای نامدار و مریدان مقرب سلطان المشایخ مانند اقبال (خادم خاص خواجه)، خواجه محمد ابن بدرالدین اسحاق، خواجه ابراهیم، خواجه نصیرالدین چراغ دهلوی، خواجه موسی ابن بدرالدین اسحاق، خواجه عبدالله، خواجه عبدالکریم سمرقندی، خواجه صلاح الدین، حسن قوال، خواجه برهان الدین غریب، مولانا حسام الدین ملتانی، مولانا جمال الدین و غیره“ را مورد ستایش قرار داده است و به آنها سلام و درود فرستاده است.

حسن سجزی دهلوی در ردیف عرفای منقبت سرای سلسله چشتیه مقام ارجمندی دارد. وی در مدح و مدحت حضرت رسالت مآب در قالب های غزل و قصیده مناقب بسیار زیبایی سروده است که در آن عقیدت و ارادت

وی به اوج رسیده است. وی در یکی از غزلیاتش حضرت پیامبر اکرم را مورد مدح و ستایش قرار داده، و باغ بهشت را یکی از اوصاف جمال حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و ختم رسل را یکی از صفات کمال آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم گفته است. وی در مقطع آن غزل خود را “بنده محمد و آل محمد”، نیز نامیده است که به شرح زیر می باشد:

باغ بهشت وصف جمال محمد ست ختم رسل صفات کمال محمد ست

نون و القلم هدیه از لوح خلق او طه اشارتی ز جمال محمد ست

کرسی که هفت تخت فلک پایه قدر اوست یک پایه ز جاه و جلال محمد ست

آغاز عید شادی و اتمام صوم غم موقوف ابروی چو هلال محمد ست

زان شد فلک ز تخته خاک این چنین بلند کین حرف خم گرفته چو دال محمد ست

هست این نعم نواله از خوان او یکی جمله نوالها ز نوال محمد ست

آزاد شد دل حسن از بند هر غمی گو بنده محمد و آل محمد ست

(سجری: ۱۳۵۲: ۳۹)

حسن سجری دهلوی در ردیف منقبت سرایان امام المتقین، امیر المؤمنین، پیشوای اولیاء و مقتدای اصغیا حضرت امام علی ابن ابی طالب جایگاه والای دارد. وی کلام خود را با مدح و ستایش اهل بیت اطهار و به ویژه حضرت امام علی مزین و متبرک می سازد. حسن دهلوی در اولین غزلی که در دیوانش وجود دارد، خودش را مثل امام حسین “خسته تن” قرار می نامد و به بارگاه خداوند کریم به “حق حضرت علی مرتضی” امیدوار رضای حق میباشد. آن غزل لطیف و زیبا به درج ذیل است:

یا رب بکش خط کرم بر سیّات مامضی پرهیزها کردم ولی جاء القضا ضاق الفضا

گرد ارادت بیختی بر فرق جانم ریختی جانم به نفس آمیختی نفس به زنجیر قضا

گر روضه سازی در رهم جان در رضای تو دهم هرگز برابر کی نهم صد روضه را بایک رضا

شاخی که فعلم بر زند جز فضیلت آن را نشکند از فضیلت این واجب کند وز رحمت این اقتضا

در ماندم از بار گران لب خشک چون دامن تران ز ابر کرم سیلی بران بر کردهای ما مضی

همچو حسین ام خسته تن از جور مثنی شور فن چشم رضا نه بر حسن حق علی مرتضی

یا رب ز فرط نیکویی قولم نگهدار از دویی خود بهترین حافظ تویی فالله خیر حافظا

(سجری: ۱۳۵۲: ص ۱)

حسن سجریّ در یکی از رباعیاتش حضرتِ امام علیّ را موردِ مدح و ستایش قرار داده، آن حضرت را ”بقای دین و دنیا“، ”پادشاهِ دین و دنیا“ و ”سلطانِ جهان“ گفته است:

شاهی که بدو بقای دین و دنیاست چه شاه که بادشاهِ دین و دنیاست

بر دنیا و دین مقرر است این که امروز سلطانِ جهان علیّ دین و دنیاست

(صدیقی: ۱۹۷۹: ۴۱۷)

حسن سجریّ در منقبت سرایی مقام جداگانه ای دارد. وی اولین کسی است که در مدح و ستایش مرشد خود خواجه نظام الدین اولیاء مثنوی جداگانه ای سرود و بدین طریق روش تازه ای در ادبیات عرفانی شبه قاره ایجاد کرد. او در این مثنوی عشق و عقیدت بی پایان و بی کران خود را با خواجه نظام الدین اولیاء ابراز می نماید. بخش اول این مثنوی تحت عنوان ”در مدح سلطان المشایخ“ است که می توان آن را یک عشق نامه واقف نامید. حسن سجریّ در آن مانند مریدی صادق عواطف عاشقانه و احساسات صمیمانه خود را در عشق سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیاء بیان می کند. وی می گوید که مرشدش هم نام حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است و ستارگانِ فلک از خوانِ ایشان ریزه چینی می کنند و فرشتگان خاکروب خانقاهش هستند. وی مقام خواجه نظام الدین اولیاء را در جهان عرفان بلندتر از مقام حضرت جنید بغدادی و حضرت معروف کرخی می راند و همه پیران راه حق را مریدان ایشان قرار می دهد. وی خواجه را افسر اهل یقین و شه سوار صف دین محسوب می کند و حتی ایشان را در پاکی دل و در طهارت نفس مانند حضرت موسی، حضرت عیسی می داند.

حسن سجریّ می گوید که هدف سرودن این مثنوی فقط شکرگزاری از عطا و بخشش های خواجه نظام الدین اولیاء است وگرنه اوصاف پاکِ خواجه را به طور کلی بیان کردن برایش غیرممکن است. وی در ابیات زیر که در همان بخش رند، سلطان المشایخ را سلطان همه پیران راه حق، جنید و کرخی را در اطاعتش گم، دل وی را هم تخت الواح موسی و دم وی را همدم انفاس عیسی می نامد. بدون تردید این منقبت یکی از زیبا ترین مناقب عرفانی است و ابیاتی چند از آن به شرح ذیل اند:

به نام بادشاه بنده پرور کز و شد هر که شد بر خلق سرور

به حکمت نقش بند کله گل به رحمت نور بخش دیده دل

بهر اهل دلی راهی کشاده بهر آب و گلی رازی نهاده

فصالش کشت کشت خوشه چینان رضایش هم نشین گوشه نشینان

دلا به شکر حق می گیر عادت نگر کز وی چه حد داری سعادت

سر جمله سعادت ها درین راه بقای خواجه دان الحمد لله

همان خواجه که وقت کار سازی	کند با بندگان بنده نوازی
نظام عالم از اسم و صفت او	نه بلکه نظم عقل و معرفت او
چو صبح از مهر روشن خالی از کین	محمد نام چون هم نام در دین
کواکب ریزه چین خوان جاهش	ملایک خاکروب خانقاهش
ملک پیش سر او چون فلک خلق	خدا را بنده خاص از همه خلق
فتوح غیب نو نو بر مزیدش	همه پیران راه حق مریدش
سری کرده ز سر او تعلم	جنید اندر جنود طاعتش گم
همان کرخی به وصف عشق موصوف	ز عرفان دل او گشته معروف
چه گویم من و زین گفته چه جویم	مقامش برتر است از هر چه گویم
جوان بختست (کذا) بر پیران دین پیر	ز خوان اهل دولت چاشنی گیر
دلش هم تخته الراح موسی	دم او همدم انفاس عیسی
سلیمان بهر خوانش خوان درشت	خضر هنگام افطار آب در دست
که یارد مدح او گفتن تمامی	که این جاپختگان را هست خامی
مرا آن حد کجا کین راه پویم	صفات ذات پاک او بگویم
چه گویم که افسر اهل یقینت	به همت شه سوار صف دینست
رکابش را ببوسم یا عنانش	بیانش را ستایم یا بنانش
به ریحان نقش او روح روانها	خط جان بخش او خود جان جانها
ازین بس تا بود جان جان من اوست	به باغ دل بهارستان من اوست
به دل جستن مر او را مستحیل است	به دل چون یا بمش چون بی بدیل است
گر آید خدمت او را به دل یاد	در ایمانم بس ایمانم به دل یاد
همایون همتا من خاک راهم	گر آبی خواهم آن هم از تو خواهم
ضعیفم مفلسم تنها و بی کس	خدا را دارم و دیگر ترا بس

به گستاخی رقم شد چند حرفی به پیش آفتابی برده برفی

تو بسیار این چنین ها در گذاری کرم کن زان کرمهایی که داری

ازان تحریر کر دم این مقاتل که بر من فرض شد شکر نوال

وگر نه من چه سگ باشم که گاهی به آن دریا توانم برد راهی

(صدیقی: ۱۹۷۹: ۴۰۴-۴۰۶)

امیر حسن سجزی عاشق صادق و مرید با وفای خواجه نظام الدین اولیاء بود. او تعظیم و احترام زیادی برای خواجه قایل بود و این مثنوی نشان دهنده ارادت و محبت و عشق و عقیدت فراوان به مرشدش است. او در آخر مثنوی در دعای سلامتی..... که در ذیل است:

در آخر مثنوی در دعای سلامتی حضرت خواجه نظام الدین اولیاء ابیاتی لطیف، دلنشین و دلپذیری به شرح زیر آورده است:

به ذکر شیخ چون پیوست خامه به نام شیخ بهتر ختم نامه

الهی شیخ ما را جاودان دار ز آفات زمانش در امان دار

زهی چون آفتابی مایه نور مبدا از سر ما سایه اش دور

درون دیده ما باد جایش سرما تا قیامت زیر پایش

(صدیقی: ۱۹۷۹: ۴۱۲)

امیر حسن سجزی مثنوی جداگانه ای در مدح سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیاء سرود که بعنوان مرحله مهمی از ادبیات عرفانی در شبه قاره از آن یاد می شود از میان عرفای چشتیه، نواب عمادالملک غازی الدین خان نظام این روش امیر حسن سجزی دهلوی را پیروی کرد و در منقبت و مدحت مرشد خود خواجه فخر الدین فخر جهان دهلوی دو مثنوی "ناله نی" و "فخریه النظام" را سرود. بدون تردید حسن سجزی دهلوی منقبت سرایی را به اوج رسانید و یکی از ارکان اساسی طریقه چشتیه به شمار می رود.

نتیجه گیری:

امیر حسن سجزی دهلوی، عارف و شاعر نامدار قرن هفتم و از پیروان فرقه چشتیه به شمار می رود. وی یکی از کسانی است که دستی توانا در منقبت سرایی دارد. امیر حسن دهلوی را می توان بنیانگذار شیوه نوین منقبت سرایی در شبه قاره نامید. روش وی به این صورت بود که در آغاز و پیش از حمد خدا و

نعت پیامبر و ائمہ و خلفا از مراد خویش نیز قدردانی و او را صفت کرده است. همین امر سبب شد تا مرحله ای جدید از منقبت سرایی در ادبیات شبہ قارہ پدید آید و تبع آن افراد زیادی پس از وی بہ تقلید از وی پرداختند۔

حوالہ جات:

- ### آریا، غلام علی، دکتر، طریقہ چشتیہ در ہندو پاکستان، کتابفروشی زوار، تہران، ۱۳۶۵ هـ ش۔
- ### اکرام، شیخ محمد، آب کوثر، ادارہ ثقافت اسلامیہ، ۲ کلب رود، لاہور، ۲۰۰۰ م۔
- ### رحمان علی، تذکرہ علمای ہند، مطبع منشی نول کشور، لکھنؤ۔
- ### ریاض محمد و صدیق شیلی، دکتر، فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ، سنگ میل پبلی کیشنز، اردو بازار، لاہور، ۱۹۸۷ م۔
- ### سجزی، امیر حسن، دیوان حسن سجزی دہلوی، مکتبہ ابراہیمیہ، مشین پریس، حیدرآباد، دکن ۱۳۵۲ھ۔
- ### صدیقی، شکیل احمد، دکتر محمد، امیر حسن سجزی دہلوی، حیات اور ادبی خدمات، اتر پردیش اردو اکادمی، لکھنؤ، ۱۹۷۹ م۔
- ### عبدالرحمن چشتی، مرآۃ الاسرار، مترجم: واحد بخش سیال چشتی صابری، الفیصل ناشران کتب، اردو بازار، لاہور، ۲۰۱۶ م۔
- ### فرشتہ، محمد قاسم، تاریخ فرشتہ، مترجم: عبدالحی خواجہ، المیزان ناشران و تاجران کتب، اردو بازار، لاہور، ۲۰۰۸ م۔
- ### لاہوری، غلام سرور، مفتی، خزینۃ الاصفیاء، ج ۱، انصاری کتب خانہ، بازار کتابفروشی، کابل، ۱۹۹۴ م۔
- ### محدث دہلوی، عبدالحق، اخبار الاخیار فی اسرار الابرار، تصحیح و توضیح، علیم اشرف خان، مؤسسہ چاپ و انتشارات دانشگاه تہران، تہران، ۱۳۸۳ هـ ش۔
- ### محوی، مسعود علی، دیباچہ، دیوان حسن سجزی دہلوی، مکتبہ ابراہیمیہ، مشین پریس، حیدرآباد، دکن، ۱۳۵۲ھ۔
- ### میر خورد، سید محمد بن مبارک علوی کرمانی، سیر الاولیاء، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۹۷۸ م۔
- ### نظامی، خلیق احمد، تاریخ مشایخ چشت، ندوۃ المصنفین، اردو بازار، دہلی، ۱۹۸۵ م۔